

## نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی

محمد رحیم عیوضی<sup>۱</sup> \* عبدالرحیم پدرام<sup>۲</sup>

### چکیده

آینده‌پژوهی اسلامی نسخه بدیل آینده‌پژوهی رایج است که تا کنون در عمل شکل نگرفته است. برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی باید توجه داشت که آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و بستر این دو، نگرش حاکم بر جامعه است. این سه، نظامی را با عنوان نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» شکل می‌دهند که ترسیم‌گر ابعاد نظری و کاربردی آینده‌پژوهی است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ گوید که زیرساخت کلیدی برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی چیست. بنابراین افزون بر معرفی نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» نشان داده می‌شود که آینده‌پژوهی اسلامی در قالب نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی شکل می‌گیرد. نظام‌های رایج و اسلامی به‌طور کامل مستقل از یکدیگر نیستند و افزون بر وجوه افتراق، دارای وجوه اشتراکی نیز هستند. البته در مبانی و سطوح کلان اشتراکات ناچیز است. ضمن آنکه دین مبین اسلام تنها عامل اصلی و اساسی تفاوت این دو نظام به شمار نمی‌رود و شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی شکل‌گیری نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی نیز سبب آشکار شدن تفاوت‌هایی میان این دو نظام می‌شود.

**واژگان کلیدی:** آینده‌پژوهی اسلامی، نظام «نگرش - آینده‌پژوهی»، آینده‌اندیشی و اسلامی‌سازی علم و فناوری.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره شانزدهم • پاییز ۹۴ • صص ۹۶-۷۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۴/۲

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (ra.eivazi@yahoo.com).  
۲. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، نویسنده مسئول (abdurrahim.pedram@gmail.com).

## مقدمه

آینده‌پژوهی اسلامی نسخه‌ای نو برای آینده‌پژوهی رایج به شمار می‌آید. آینده‌پژوهان در مسیر رشد و تعالی آینده‌پژوهی باید اهتمام ویژه‌ای به طراحی یک نسخه بدیل برای آینده‌پژوهی داشته باشند که هم با اصول، اهداف و مفروضات این دانش راهبردی (Bell, 2003:111) سازگار باشد و هم بتواند قابلیت‌های جدیدی برای آینده‌پژوهی به ارمغان آورد. با این شرایط نمی‌توان تعدد نسخه‌های بدیل برای آینده‌پژوهی را محتمل دانست. دین مبین اسلام به دلیل اتصال به منبع عظیم و لایتناهی وحی و آموزه‌های گسترده در عرصه‌های گوناگون زندگی بشری این امکان را دارد که با ایجاد یک چارچوب شناختی - هنجاری اسلامی برای آینده‌پژوهی، نسخه‌ای بدیل و برتر برای آینده‌پژوهی فراهم سازد. بدیل بودن آینده‌پژوهی اسلامی به معنای آن است که وجوه اشتراکی با آینده‌پژوهی سکولار دارد. در حال حاضر که آینده‌پژوهی اسلامی در عمل شکل نگرفته است، در خصوص اینکه وجوه اشتراک کم است یا زیاد، نمی‌توان اظهار نظری دقیق و علمی کرد. می‌توان مدعی بود که آینده‌پژوهی سکولار متضاد آینده‌پژوهی اسلامی نیست.

۱. بل برای آینده‌پژوهی، نه مفروض کلیدی ارائه داده است: ۱. زمان، پیوسته، خطی، یک‌سویه و برگشت‌ناپذیر است، ۲. آینده منحصر به فرد است؛ هر آنچه در آینده رخ می‌دهد، لزوماً در گذشته و حال وجود نداشته است، ۳. آینده‌پژوهی برای کنش انسانی ضروری است؛ هر اقدام و کنشی در زمان حال، پیامدی در آینده دارد. انسان برای هر کنشی به تصمیم‌گیری نیاز دارد، بنابراین آینده‌پژوهی برای انسان ضروری است، ۴. مفیدترین دانش، آگاهی داشتن از آینده است، چراکه انسان کارهایی مانند برنامه‌ریزی، کشف بدیل‌ها، انتخاب اهداف و اولویت‌ها و... بدون نگاه به آینده و اطلاع از چند و چون تغییرات آن نمی‌تواند موفق باشد، ۵. آینده غیرقابل مشاهده است؛ هیچ گزاره‌ای قطعی در خصوص آینده وجود ندارد و معرفت ما نسبت آینده «حدسی» است، ۶. آینده سرشار از عدم قطعیت است. آینده از پیش تعیین شده نیست و اقدام انسان‌های آینده را شکل می‌دهد. بنابراین آینده حتمی و قطعی نیست و می‌توان آن را تغییر داد، ۷. آینده فقط توسط انسان‌ها ساخته می‌شود. آینده بر اساس اقدامات فردی و جمعی انسان‌ها ساخته می‌شود؛ باید افق دید به جای «آینده چه هست» به «آینده چه باید باشد» تغییر یابد، ۸. نیاز به کل‌گرایی؛ به دلیل وابستگی متقابل پدیده‌ها به یکدیگر، شناخت آینده نیازمند شناخت دقیق تمام اجزای یک نظام و چگونگی تعامل آنها با محیط با رهیافت کل‌گرایی تعدیل‌یافته است و ۹. جانبداری از یک تصویر ویژه از آینده؛ شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب، مرهون تصویرپردازی از آینده به منظور ایجاد یک حرکت اجتماعی است.

نکته بسیار مهم آن است که تا این لحظه، آینده پژوهی اسلامی در عمل شکل نگرفته است و تا این اتفاق رخ ندهد، نمی توان جز تصاویری مبهم از آینده پژوهی اسلامی، چیز دیگری ارائه کرد. آینده پژوهی سکولار در حال حاضر عینیت یافته است و با وجود عدم موفقیت در رسالت کلان خود، دارای تجارب ارزنده و دستاوردهای قابل توجهی است. آینده پژوهی اسلامی نمی تواند در مسیر تحقق خود، به این تجارب و دستاوردهای بی توجه باشد. بنابراین علاقمندان به آینده پژوهی اسلامی نمی توانند آینده پژوهی سکولار را رها کنند، بلکه باید با رهیافتی راهبردی تلاش کنند در فرایندی پیوسته و شتابان، جوامع اسلامی در مقام اجرا از آینده پژوهی سکولار به سوی آینده پژوهی اسلامی گذار کنند. عینیت یافتن آینده پژوهی اسلامی، چشم اندازی است که تحقق آن نیازمند طی کردن گام های مشخصی است. در نگاهی کلی، گام نخست تأملات فلسفی و مباحث نظری است که تا بتوان دستمایه لازم برای تحقق آینده پژوهی اسلامی را فراهم ساخت. در گام های بعدی باید ضمن ترسیم تصاویری از آینده پژوهی اسلامی (هر چند مبهم)، راهبردهایی جهت گذار به آینده پژوهی اسلامی تدوین کرد. بدون شک کنار گذاشتن آینده پژوهی سکولار خطایی بزرگ است و مدت زمان لازم برای تحقق آینده پژوهی اسلامی را نیز طولانی می سازد، هر چند که آینده پژوهی سکولار دارای ضعف ها و چالش های زیادی باشد. بنابراین نباید آینده پژوهی های سکولار و اسلامی را دو نسخه متضاد که در برابر هم هستند، در نظر گرفت.

### ۱. پیشینه تحقیق

بررسی ها حکایت از آن دارد که به دلیل حاکمیت دیدگاه سکولار بر آینده پژوهی، فعالیت قابل توجهی در حوزه آینده پژوهی اسلامی و حتی آینده پژوهی دینی انجام نشده است. هر چند در برخی منابع، مطالبی ارائه شده است، اما هیچ یک بر اساس پژوهش های روشمند و علمی تدوین نشده و قابل استناد به شمار نمی آیند. البته در حوزه آینده پژوهی با موضوع اسلام (مانند آینده جهان اسلام، آینده مسلمانان، اسلام به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی تأثیرگذار بر آینده و...) و حوزه آینده از دیدگاه اسلام (مهدویت، احادیث و آیات پیشگو و...) در ایران و جهان، فعالیت های بسیاری انجام شده است، اما ارتباط چندانی با موضوع این مقاله ندارند؛ چراکه این پژوهش در پی بررسی چگونگی شکل گیری نسخه ای از آینده پژوهی بر اساس اسلام است نه آینده پژوهی در حوزه اسلام و یا بررسی دیدگاه اسلام

در خصوص آینده.

بررسی این منابع نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی در حوزه تفکر اسلامی، هنوز در مراحل اولیه رشد، است. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، اکثر تألیفات در این رابطه، توسط سردار و برخی از همکارانش (مریل وین دیویس<sup>۱</sup>، ذکی کرمانی<sup>۲</sup>، ایوب ملک<sup>۳</sup>، اساریا<sup>۴</sup>، پرویز منصور<sup>۵</sup>، منور احمد انیس<sup>۶</sup>، گلزار حیدر<sup>۷</sup> و ابراهیم سلیمان<sup>۸</sup>) نوشته شده بود. او و همکارانش در اصل به‌عنوان گروهی از متفکران<sup>۹</sup> - که انجمن اجمالي<sup>۱۰</sup> نامیده می‌شوند - فعالیت می‌کنند (Sardar, 1989: 48-49). در گفت‌وگوهای اندیشه معاصر اسلامی، آثاری که ترکیبی از تفکر و روش‌شناسی آینده‌نگرانه هستند، عبارتند از: «آینده تمدن اسلامی»<sup>۱۱</sup> (Sardar, 1988) و «آینده‌پژوهی اسلامی: تجسم طرح‌های آینده»<sup>۱۲</sup> (Sardar, 1985). سردار در کتاب «آینده تمدن اسلامی»، اهمیت آینده‌پژوهی را به‌عنوان راهی برای ایجاد پارادایم و روش‌شناسی تازه در فهم و به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی در چشم‌اندازی متمدانه، مورد تأکید قرار می‌دهد تا بازسازی تمدن اسلامی را در آینده آسان کند. وی، نمونه‌ای از طرح متمدانه را با نام «پروژه عمران» پیشنهاد می‌دهد و طرحی عملی را تشریح می‌کند که باید توسط امت اسلامی و به ویژه خردمندان این امت، تحقق یابد.

پژوهشگر مسلمان دیگری که با گفت‌وگوهای آینده‌پژوهی سروکار دارد، مهدی المنجره است. وی معتقد است: اسلام، شیوه‌ای پویا از زندگی است که به وسیله آن، به انسان فرصت و اختیار داده می‌شود تا سرنوشت خویش را انتخاب کرده و محیط زیست خود را با اقدامات هوشیارانه خویش تحت تأثیر قرار دهد. درک این مطلب که انسان، قدرت تغییر هر چیزی را مطابق با خواست خویش دارا است، شناخت بسیار مهمی از توانایی‌های انسان

- 
1. Merrylyn Wyn Davies
  2. Zaki Kirmani
  3. Ayyub Malik
  4. Asaria
  5. Parvez Manzoor
  6. Munawar Ahmad Anees
  7. Gulzar Haidar
  8. Ibrahim Sulaiman
  9. Think tank group
  10. Ijmāli group
  11. The future of Muslim civilization
  12. Islamic futures: the shape of ideas to come

است که بر مفهوم سرنوشت (قدر) در بینش اسلامی دلالت دارد. هنگامی که مسلمانان، روزگار طلایی خویش را پشت سر گذاشتند، این آگاهی از خاطره‌ها پاک شده بود که انسان می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی هوشیارانه اقدامات خود، در آینده‌خویش تأثیرگذار باشد. با اعتقاد به اینکه آینده را خداوند از قبل معین کرده است، این بی‌اطلاعی، تمام زندگی او را، تحت تأثیر قرار داده بود و در نتیجه آنان راه را گم کردند و بی‌آینده شدند. در این رابطه، استدلال المنجره که مسلمانان باید بین مفهوم بدعت<sup>۱</sup> و نوآوری<sup>۲</sup>، تمایز قائل شوند تا نشاط انسان به‌طور کلی و بقای امت اسلامی به‌طور ویژه ادامه یابد، بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. کوتاهی در تفکیک این دو مفهوم، به‌طور قطعی امت را در تنگنای کنونی اش رها خواهد ساخت.

در داخل کشور نیز با تقویت فعالیت‌های آینده‌پژوهی در کشور به ویژه در دهه اخیر موضوع آینده‌پژوهی اسلامی و آینده از دیدگاه اسلام مطرح شده است که برای نمونه می‌توان فعالیت‌های مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی اشاره کرد که بخشی از فعالیت‌ها در قالب پایگاه آیات و روایات آینده‌اندیشی منتشر شده است. همچنین پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی در قم نیز فعالیت‌های قابل توجهی در این حوزه داشته‌اند، هر چند که بیشتر ناظر بر آینده از دیدگاه اسلام هستند تا آینده‌پژوهی اسلامی.

## ۲. مبانی نظری

آینده‌پژوهی اسلامی به‌عنوان نسخه‌ای نو و بدیل برای آینده‌پژوهی، امکان‌پذیر است (عیوضی و پدram، ۱۳۹۳). اما این نتیجه نه تنها پایان راه نیست، بلکه آغاز راه است. حال باید در پی شکل بخشیدن به آینده‌پژوهی اسلامی در عمل باشیم. بی‌شک مسلمان بودن، دغدغه اسلامی داشتن تأملات فلسفی و... خطیر و کلیدی هستند، اما به هیچ‌عنوان کافی نیست. آینده‌پژوهی یک علم - فناوری<sup>۳</sup> است و یکی از مهم‌ترین راه‌های طراحی و ایجاد یک علم و یا فناوری بدیل، تغییر چارچوب شناختی - هنجاری حاکم بر آن است (تقوی، ۱۳۹۱). نکته بسیار مهم آن است که مباحث مطرح شده در عرصه آینده‌پژوهی اسلامی تنها

1. Heresy

2. Innovation

۳. آینده‌پژوهی، علم است، چراکه در پی حقیقت امور است. از سوی دیگر آینده‌پژوهی فناوری است، چراکه تجلی اجتماعی و تکنیکی دارد و تجویزهایی ارائه می‌کند که به رشد و تأسیس سیستم‌های اجتماعی - تکنیکی منجر می‌شود.

به ابعاد نظری آن اختصاص دارند. و این به تنهایی مسیر را برای عینیت بخشیدن به آینده پژوهی اسلامی، فراهم نمی‌سازد. بنابراین در ابتدا لازم است درک درستی از ابعاد نظری و اجرایی آینده پژوهی به دست آورد تا بر اساس آن، بتوان چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی را بررسی کرد. برای این منظور لازم است نظام نظری - عملی آینده پژوهی تبیین شود. نظامی که هم ابعاد نظری و هم وجوه کاربردی و اجرایی آینده پژوهی را در کنار هم ارائه دهد. این وجوه در هم تنیده هستند و نگاه مستقل به هر یک از آنها، نمی‌تواند کلیت آینده پژوهی را به تصویر بکشد و مبنایی برای تحلیل کلان آن باشد. برای این منظور، نظام «نگرش - آینده پژوهی» معرفی می‌شود. این نظام بستری است تا با نگاهی کلان، ابعاد اجرایی و نظری آینده پژوهی، به مثابه یک کل درهم تنیده، تحلیل شوند.

این نظام از سه بخش اصلی آینده پژوهی (فرایندها و پروژه‌های کاربردی)، آینده‌اندیشی (چارچوبی برای تفکر درباره آینده و انگیزش و راهبری تغییر آینده) و نگرش حاکم بر جامعه (جهان‌بینی، گفتمان‌ها و آموزه‌های کلی) تشکیل شده است. برای شناخت بهتر این نظام باید در ابتدا هر یک از این بخش‌ها معرفی شوند. نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی می‌تواند زیرساخت لازم برای تحقق آینده پژوهی اسلامی را ایجاد کند. آینده پژوهی در این نظام می‌تواند به صفت اسلامی موصوف شود.

نظام «نگرش - آینده پژوهی»، بستری برای نگاه کل‌نگر و تحلیل کلان آینده پژوهی است و نمی‌توان آینده پژوهی را جدا از این نظام در نظر گرفت. حال این پرسش مطرح می‌شود که این نظام برای تحقق آینده پژوهی اسلامی چه کمکی می‌تواند بکند. آینده پژوهی بخشی از نظام «نگرش - آینده پژوهی» است، بنابراین چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی را باید در قالب نظام «نگرش - آینده پژوهی» ارائه داد. البته در ابتدا باید نسبت دین و این نظام تبیین شود.

## ۱-۲. بخش‌های نظام «نگرش - آینده پژوهی»

### ۱-۱-۲. آینده پژوهی

این بخش از نظام، ناظر به بخش کاربردی و عملیاتی آینده پژوهی است. آینده پژوهان می‌کوشند برای حل مسائل جهانی، ملی و سازمانی فرایندها و پروژه‌هایی را به سامان

برسانند. روندهای جهانی آینده، ترسیم رهنگاشت صنعت، طراحی و استقرار سامانه دیده‌بانی و... از جمله این فعالیت‌های اجرایی آینده‌پژوهان هستند. بر اساس روش تحلیل علی‌لایه‌ای (Inayatolah, 2007:69-50)، بخش لیتانی (قابل مشاهده) نظام «نگرش - آینده‌پژوهی»، «آینده‌پژوهی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی هویتی مستقل ندارد و بر پایه آینده‌اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه فعالیت می‌کند. آنچه از این نظام در جامعه تبلور می‌یابد (قابل مشاهده می‌شود)، فرایندها، پروژه‌ها، مراکز و... آینده‌پژوهی هستند. اما نباید فقط به بخش عینی اکتفا کرد و هر چیزی از نظر آینده‌پژوهی بخش غیرعینی نیز دارد.

طرفداران این نظر که آینده‌پژوهی در هر جامعه‌ای با جوامع دیگر متفاوت نیست، فقط به بخش عینی آن توجه دارند. هر چند که بر اساس تجربه و دلایل متعددی می‌توان نشان داد که بخش لیتانی آینده‌پژوهی نیز در جوامع و سازمان‌های مختلف، متفاوت است. به‌عنوان مثال بررسی پروژه‌های مختلف آینده‌پژوهی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نشان از آن دارد که روش‌ها، نقاط تمرکز، قلمرو، دستاوردها و سازمان‌های متولی این پروژه‌ها در جوامع مختلف، تفاوت قابل توجه دارند. این در حالی است که موضوع تمامی این پروژه‌ها، فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است و قطعاً این تفاوت برای فعالیت‌های آینده‌پژوهی با موضوعات اجتماعی چشمگیرتر است. تفاوت در فرایندها و پروژه‌ها و مراکز آینده‌پژوهی گواهی بر این مدعا است که آینده‌پژوهی هویتی مستقل ندارد و برای درک بهتر و تحلیل کلیت آن، نباید فقط به تبلور عینی آن بسنده کرد.

## ۲-۱-۲. آینده‌اندیشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریچارد اسلاتر بر این باور است که به جای آینده‌پژوهی باید بر آینده‌اندیشی تکیه کرد. در نگاه وی، آینده‌پژوهی از کارایی لازم برخوردار نیست (Slaughter, 2008) و باید آینده‌اندیشی را جایگزین آینده‌پژوهی کرد. آینده‌اندیشی، مفهوم جدید و متکامل آینده‌پژوهی است که رویکردی گسترده‌تر از آینده‌پژوهی دارد (یونیدو، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

---

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به گزارش چارچوب و ویژگی‌های آینده‌پژوهی فناوری اطلاعات و ارتباطات که در سال ۱۳۸۸ توسط مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی (طرح فراسازمانی نیروهای مسلح) منتشر شده است.

وندل بل نیز معتقد است: زیربنای آینده‌پژوهی، اندیشیدن به آینده است. وی تأکید می‌کند که آینده‌پژوهی می‌کوشد به این پرسش اساسی پاسخ گوید که چگونه می‌تواند آگاهانه درباره آینده فکر کرد (Bell, 2003:1-2). بنابراین او هم آینده‌اندیشی را زیربنای آینده‌پژوهی می‌داند.

آینده‌اندیشی، شیوه تفکر و نگاه کردن به آینده است. بر اساس آینده‌اندیشی می‌توان چارچوبی برای تفکر به آینده در آینده‌پژوهی، فراهم ساخت. بدون شک هر انسان، سازمان و جامعه‌ای شیوه خاصی برای تفکر در خصوص آینده دارد و از دریچه ویژه خود به آینده می‌نگرد. حتی این مسئله در افق نگاه نیز تأثیرگذار است، به گونه‌ای که برخی در افق‌های کوتاه‌مدت سیر می‌کنند و برخی دوراندیش هستند و افق‌های بلندمدت را پوشش می‌کنند. به عنوان مثال اکرام اعظم<sup>۱</sup> (آینده‌پژوه پاکستانی)، امام خمینی (ره) را به دلیل نگاه بلندمدت و تلاش او برای شکل‌بخشیدن به تمدن اسلامی می‌ستاید و معتقد است که برپایی آینده مطلوب، نیازمند آینده‌اندیشانی چون امام خمینی (ره) است.

یکی از اهداف کلیدی آینده‌پژوهی، شکل‌بخشیدن به آینده مطلوب است. رسیدن به این مقصود نیازمند دو فعالیت مهم است: ۱. ایجاد انگیزش در جامعه برای حرکت و تغییر و ۲. راهبری و جهت‌دهی تغییرات برای نائل شدن به آینده مطلوب. زمانی می‌توان به این دو هدف نائل شد که آینده‌اندیشی در جامعه وجود داشته باشد. آینده‌اندیشی افزون بر اینکه چارچوبی برای تفکر به آینده را فراهم می‌سازد، انگیزه‌های لازم برای شکل‌بخشیدن به آینده را در جامعه ایجاد می‌کند و آنگاه می‌توان این جریان اجتماعی را راهبری کرد. بنابراین آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و چارچوب تفکر به آینده و چگونگی انگیزش و راهبری برای تحقق آینده مطلوب را فراهم می‌سازد. در آینده‌پژوهی یک اندیشه واحد وجود ندارد که آینده‌پژوهی را به انحصار درآورد.

نکته بسیار مهم آن است که به لحاظ تاریخی آینده‌اندیشی مقدم بر آینده‌پژوهی است. قدمت آینده‌پژوهی به‌طور خوش‌بینانه به یکصد سال هم نمی‌رسد (Bell, 2003:70-72). این دانش از سال ۱۹۹۷ میلادی توانسته است به شکل امروزی درآید و پیش از این زمان، آینده‌پژوهی حتی حوزه دانش مستقل نیز نبوده است. اما بر خلاف آن، آینده‌اندیشی مقوله

---

1. Thinking about the future  
2. Ikram Azam



تازه‌ای نیست و به اعتقاد بل، پدیده‌ای جهان‌شمول است که ریشه‌های آن را می‌توان در دوران پیش از تاریخ بشر یافت. در تمامی جوامع بشری شناخته شده شواهدی دال بر آینده‌اندیشی پیدا شده است. نکته قابل توجه آن است که آینده‌اندیشی در هر جامعه‌ای و هر برهه‌ای از زمان با دیگری تفاوت داشته است. تصورات از آینده و زمان، تأکید بر گذشته و آینده، چگونگی پرداختن به آینده، و جوهی از تمایز آینده‌اندیشی در هر جامعه هستند. از سوی دیگر انسان از بدو تولد، فرامی‌گیرد که چگونه آینده‌اندیشی کند. نوزاد انسان لحظاتی پس از تولد گریه می‌کند و متوجه واکنش دیگران نسبت به خود می‌شود. نوزاد فرامی‌گیرد که چگونه مشکلات خود را در آینده برطرف سازد. هر چند که آینده، افقی کوتاه مدت (لحظاتی فرای زمان حال) دارد، اما این قابلیت با رشد انسان نیز رشد کرد و توان آینده‌اندیشی او گسترش بیشتری می‌یابد (Ibid:2-5).

می‌توان نتیجه گرفت که پیش از شکل‌گیری آینده‌پژوهی، آینده‌اندیشی وجود داشته است و انسان‌ها از بدو تاریخ آینده‌اندیشی کرده‌اند. بررسی‌های تاریخی نیز گواهی می‌دهند که آینده‌اندیشی در طول تاریخ وابسته به شرایط هر جامعه‌ای تغییر کرده است. و باید تأکید کرد آینده‌اندیشی به‌عنوان بستر آینده‌پژوهی وابسته به شرایط اجتماعی و نگرش حاکم بر جامعه است. بذر آینده‌پژوهی در زمین آینده‌اندیشی رشد و نمو کرده است. از آنجایی که آینده‌اندیشی وابسته به ویژگی‌ها و شرایط جامعه است، خواسته و یا ناخواسته آینده‌پژوهی نیز متأثر از جامعه است. به گونه‌ای که اگر آینده‌پژوهی به جای غرب در جای دیگر و یا اندیشه‌ای دیگر رشد می‌کرد، آینده‌پژوهی به شکل امروزی نبود. بنابراین آینده‌اندیشی در نگاه اسلام، متفاوت از آینده‌اندیشی در جوامع غربی است. شاید دین مبین اسلام به‌طور مستقیم در خصوص آینده‌پژوهی گزاره‌ای نداشته باشد، اما در خصوص آینده‌اندیشی که قدمتی دیرینه دارد، دیدگاهی ویژه دارد که تبیین آن برای شکل بخشیدن به آینده‌پژوهی اسلامی ضروری است. یکی از عوامل مهم در تفاوت‌های آینده‌پژوهی اسلامی با سکولار، تفاوت در آینده‌اندیشی و روش‌هاست، به‌طوری که آینده‌پژوهی را در سه قلمرو موضوعی، روشی و آینده پژوه متفاوت کرده است.

آینده‌اندیشی، نگاه بنیادین به آینده است که می‌توان با بررسی و درک عمیق منابع اسلامی، دیدگاه دین مبین اسلام در این عرصه استخراج شود. به‌عنوان مثال بر اساس قرآن

کریم نیت در نتیجه عمل تأثیر دارد.<sup>۱</sup> آینده‌پژوهی و آینده‌اندیشی سکولار تنها اقدام عملی را تعیین می‌کنند، اما اسلام توصیه می‌کند که افزون بر عمل، نیت را نیز باید اصلاح کرد. به هر تقدیر آینده‌پژوهی در بستر آینده‌اندیشی قرار دارد و آینده‌اندیشی هم وابسته به نگرش حاکم بر جامعه است.

### ۳-۱-۲. نگرش حاکم بر جامعه

عنایت‌اله آینده‌پژوهی را مشتمل بر چهار نوع پیش‌بینانه،<sup>۲</sup> تعبیری،<sup>۳</sup> انتقادی<sup>۴</sup> و یادگیری در عمل<sup>۵</sup> معرفی کرده است. دسته‌بندی آینده‌پژوهی به چهار نوع، بدان معنا نیست که آینده‌پژوهان مختارند از یک نوع استفاده کنند، بلکه در حالت آرمانی، آینده‌پژوه باید از تمام انواع آینده‌پژوهی در کار خود بهره جوید.

در آینده‌پژوهی تعبیری، هدف پیش‌بینی آینده نیست،<sup>۶</sup> بلکه در پی افزایش بصیرت جامعه از آینده است. در این نوع از آینده‌پژوهی، حقیقت نسبی فرض می‌شود، زبان و فرهنگ در کنار هم در خلق آینده، مشارکت می‌کنند. در این آینده‌پژوهی، تصاویر و تلقی‌های متفاوت ملی، جنسیتی و یا قومیتی از آینده اهمیت دارند و این تصاویر مختلف، مقایسه و ارزیابی می‌شوند. این نوع آینده‌پژوهی کمتر فنی است و مقولاتی چون اسطوره‌شناسی و استعاره‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. این در حالی است که فرایندهایی چون برنامه‌ریزی و تحلیل سیاست را نمی‌توان به شکل فرهنگی و یا تعبیری انجام داد (Inayatolah, 2007:6-7). بر این اساس جهان‌بینی، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگ، باورهای سنتی و... که در مجموع نگرش حاکم بر جامعه را شکل می‌دهند، بستر آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی هستند، هدف اصلی آینده‌پژوهی، برپایی هوشمندانه و مطلوب آینده است و این مهم تنها با یاری آینده‌اندیشی و جهت‌دهی به نگرش حاکم بر جامعه امکان‌پذیر است (شکل ۱).

۱. سوره هود، آیه ۱۵ و ۱۶: (کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا به طور کامل به آنها می‌دهیم و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد (اما) آنها در آخرت، جز آتش (سهمی) نخواهند داشت و آنچه را عمل می‌کردند، باطل و بی‌اثر می‌شود).

2. Predictive

3. Interpretive

4. Critical

5. Anticipatory Action Learning

۶. هدف کلی آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده نیست، اما این مسئله در آینده‌پژوهی تعبیری آشکارتر است.

آینده پژوهی بر اساس کار گروهی به پیش می‌رود، برخی از آینده پژوهان بر این باور هستند که می‌توان جدا از دیگران و بدون ارتباط با چارچوب‌های معرفتی و نهادی انسان‌ها فعالیت کرد. اما موارد یاد شده نشان می‌دهند که آینده پژوهی تعاملی و پویاست و در موضوع، هدف، نظریه، داده و... باید با محیط خود به‌طور پیوسته رابطه‌ای دوسویه داشته باشد. بنابراین علم - فناوری آینده پژوهی نمی‌تواند خارج از نظام «نگرش - آینده پژوهی» باشد. پس تحلیل کلان و تغییر در مبانی و بدیل اندیشی برای آینده پژوهی نیازمند آن است که سطح کار از آینده پژوهی به نظام «نگرش - آینده پژوهی» ارتقا یابد. آینده پژوهی، خود نیازمند آینده پژوهی است. برای این منظور نباید به سطح لیتانی آن (آینده پژوهی) بسنده کرد و باید به عمق آن نفوذ کرد. آینده اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه، لایه‌های بنیادین آینده پژوهی به شمار می‌آیند.



شکل ۱. نظام نگرش - آینده پژوهی

### ۳. روش‌شناسی

با عنایت به موضوع محوری پژوهش که آینده پژوهی اسلامی است، نوع پژوهش کیفی است. در مرحله گردآوری اطلاعات، روش مطالعات کتابخانه‌ای مبنای عمل است و نتایج با استفاده از پانل خبرگان و تحلیل محتوا تحلیل شدند. به دلیل تعداد بسیار اندک صاحب‌نظران عرصه آینده پژوهی اسلامی، روش‌هایی چون پرسشنامه از کارایی لازم برخوردار نیست و در این پژوهش به منظور تعامل با خبرگان آینده پژوهی اسلامی روش

مصاحبه بسیار کارآمدتر بوده است. بنابراین با صاحب‌نظران این عرصه گفت‌وگوی باز انجام شد و با رویکرد کدنامه‌ای نتایج گفت‌وگوها، تحلیل و جمع‌بندی شدند. سپس با استفاده از روش پانل خبرگان، تلاش شد همگرایی دیدگاه‌های موجود افزایش یابد و با همین روش راهبردهای لازم برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی مشخص شد.

بعضی از مصاحبه‌های این پژوهش نقش اکتشافی ایفا کرده و راه پژوهشگران را به سوی دیدگاه‌های مغفول باز کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر به نظام‌مندی و قدرت استنباط پژوهشی افزوده‌اند. با وجود این مصاحبه‌ها، رویکرد اصلی پژوهش این بوده که اصالت را برای آینده‌پژوهان سرشناس نگه داشته و همکاری صاحب‌نظران بومی برای پردازش محتوا جلب شود. پس از دستیابی به تحلیل اولیه، پانل‌ها برای ایجاد اجماع و بهره‌گیری از خرد جمعی در بهبود غنای پژوهش مفید واقع شده‌اند. در این پژوهش از دیدگاه‌های ده تن از صاحب‌نظرانی بهره گرفته شده است. این خبرگان هم دارای تفکر راهبردی در خصوص موضوعات مختلف آینده جهان اسلام هستند و هم با آینده‌پژوهی آشنایی کافی داشته‌اند.

در این رویکرد، متن از طریق استفاده از یک رهنمود تحلیلی یا کتاب راهنما که مرکب از تعدادی از طبقه‌ها یا مضمون‌هایی مرتبط با پرسش پژوهش است، تحلیل می‌شود. این رویکرد با تحلیل محتوای کلاسیک شباهت‌هایی دارد. اما دو ویژگی متفاوت نسبت به تحلیل محتوا دارد: نخست اینکه «کدنامه» هر چند وقت در برهه زمانی بازنگری می‌شود. دوم آنکه مضمون‌ها به صورت کیفی نه آماری توصیف می‌شوند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

برای تأیید قابلیت علمی در پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم «قابلیت اعتماد» و عناصر چندگانه آن، راهبردهای متعددی مورد استفاده قرار داده‌اند. ممیزی پژوهش سبب می‌شود که از خطر نادیده گرفتن تهدیدهای جدی علیه روایی و پایایی پژوهش بگریزد و در پایان پژوهش آنها را اصلاح کند. در این پژوهش تغییر جهت از ممیزی پژوهش در فرایند به رویه‌های ارزیابی بعد از انجام پژوهش به نحو ظریف و تدریجی رخ خواهد داد.

#### ۴. دین و نظام «نگرش - آینده پژوهی»

نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی از سه بخش اصلی تشکیل شده است. آینده پژوهی را می توان به صفت اسلامی موصوف کرد (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳). آینده اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه به طور آشکار تحت تأثیر دین قرار دارند. جهان بینی و آموزه های دینی، از عوامل اصلی تشکیل دهنده نگرش حاکم بر جامعه هستند. این واقعیت به خوبی در تفاوت فرهنگ و بافتار اجتماعی جوامع دیندار و بی دین مشهود است. آینده اندیشی نیز به همین شکل تحت تأثیر دین قرار دارد، هر دینی کم و بیش دیدگاه مشخصی در خصوص آینده ارائه کرده است. به عنوان مثال آیین های تائو و کنفوسیوس (از ادیان چینی)، آینده مطلوب را بازگشت به دوران باستان می دانند و معتقد هستند که باید جامعه انسانی را به گذشته برگرداند. این بازگشت را هماهنگی بزرگ می نامد و برای جامعه انسانی به سه مرحله (دوره های آشفتگی و بی نظمی، ظهور صلح، صلح یا هماهنگی بزرگ) تا رسیدن به هماهنگی بزرگ (آینده مطلوب) اعتقاد دارد و آموزه های گسترده ای برای شیوه اندیشیدن به آینده ارائه کرده است (رستمیان، ۱۳۸۸). اما باید توجه داشت که آینده اندیشی (همانند آینده پژوهی) در میان مسلمانان لزوماً اسلامی نیست.

از سوی دیگر بخش های نظام «نگرش - آینده پژوهی» به طور کامل از هم جدا نیستند و نمی توان مرز مشخصی بین آنها متصور شد. به عنوان مثال، در مواردی مفاهیم آینده اندیشی و آینده پژوهی به جای یکدیگر به کار می روند. آینده پژوهی، یک حوزه دانشی مستقل (در مقایسه با دیگر دانش ها) به شمار می رود، اما بخشی از نظام «نگرش - آینده پژوهی» است. بخش های این نظام به طور کامل از هم جدا نبوده و در هم تنیده هستند، بنابراین در ارتباط با دین کلیت این نظام می تواند به صفت اسلامی موصوف شود. تحقق آینده پژوهی اسلامی، نیازمند شکل گیری نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی است، چرا که آینده پژوهی با آینده اندیشی و نگرش حاکم در جامعه در هم آمیخته هستند و نمی توان آینده پژوهی اسلامی را در بستر آینده اندیشی غیر اسلامی و یا نگرش غربی حاکم بر جامعه جست و جو کرد!

برای شکل بخشیدن به نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی، دو سطح از تلاش را باید

---

۱. برای مطالعه بیشتر و آشنایی با برخی از ویژگی های آینده پژوهی اسلامی مراجعه کنید به: - عیوضی، م. و پدرام، ع. (۱۳۹۳). «اهداف و مفروضات آینده پژوهی اسلامی»، فصلنامه بهبود مدیریت، سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۲۳: ۴۸-۲۷.

انجام داد: در سطح نخست لازم است نظام موجود و ابعاد مختلف آن را تبیین و نقد شود. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام نیز باید شناسایی و تحلیل شوند. سطح دوم به تحقق نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی اختصاص دارد. در ابتدا باید دیدگاه اسلام در خصوص آینده‌اندیشی و وجوه چارچوب شناختی - هنجاری اسلامی را تبیین کرد. آینده‌پژوهان با عنایت به منابع اسلامی (آیات قرآن، روایات و...) نظریه‌ها و شیوه‌های عملی آینده‌پژوهی و عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده (مثل سنت‌های الهی) از دیدگاه اسلام را تبیین نمایند و پس از آن جامعه آینده‌پژوهان با رهیافتی راهبردی بکوشند بر اساس دیدگاه اسلام (مبتنی بر جهان‌بینی اسلام و با استفاده از آموزه‌های اسلامی) نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی را در عمل عینیت دهند. این نظام یکباره شکل نخواهد یافت و نیازمند یک فرایند مستمر و پیوسته گذار از نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» رایج به یک نظام اسلامی است.

دو سطح تلاش برای تحقق نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی را نباید تفکیک کرد، بلکه این دو سطح در قالب طیفی از فعالیت‌ها هستند که از شناسایی و نقد نظام رایج تا عینیت بخشیدن به نظام اسلامی گسترده شده‌اند. آینده‌پژوهان در این طیف فعالیت می‌کنند. درست است که نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» موجود که تقریباً بر تمام جهان حاکم شده، توسط غربی‌ها ایجاد شده است، اما بدان معنا نیست که اسلام (و یا هر دین دیگری) در آن بی‌تأثیر است. در هر جامعه‌ای کم و بیش دین بر نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» تأثیرگذار است، اما میزان آن، حداقلی است و ممکن است بر همه ابعاد آن مؤثر نباشد. حتی این میزان تأثیر در جوامع مختلف نیز متفاوت است. اما در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی، تأثیر دین مبین اسلام به حداکثر میزان ممکن ارتقا می‌یابد و تمامی ابعاد آن را تحت پوشش قرار می‌دهد. این نظام در شکل مطلوب خود با اسلام سازگاری کامل دارد و آموزه‌های اسلامی در ابعاد مختلف آن تأثیری چشمگیر خواهد داشت. در یک کلام می‌توان گفت که در نظام موجود نقش دین انتزاعی و پوشیده است و در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی جهان‌بینی و آموزه‌های دین مبین اسلامی، تا حد ممکن انضمامی شده‌اند. آینده‌پژوهی در این نظام، اسلامی است و نظریه‌ها، روش‌ها و نهادهای مرتبط آن از آموزه‌های اسلامی انضمامی شده حداکثر بهره را می‌جویند. در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی، مسائل، روش‌ها، مبانی و... را می‌توان به صفت اسلامی توصیف کرد، هر چند که تفاوت زیادی با مشابه خود در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» رایج نداشته باشد.

درک صحیح از فاصله میان نظام رایج و نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی ضروری است. نظام موجود ثمره ده‌ها سال فعالیت آینده‌پژوهانی است که بذر آینده‌پژوهی را در زمینی (آینده‌اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه) کاشته‌اند و صدها سال زمان برده است تا به این شکل درآید. بنابراین تحقق نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی در زمانی کوتاه غیرممکن است. این امر نباید انگیزه‌های را بکاهد، چراکه آغاز فرایند گذار به نظام اسلامی به تنهایی سبب می‌شود برکات آن آغاز شود و آینده‌پژوهی از شکل کنونی که غربی و سکولار است فاصله گرفته و به مرور به تفاوت‌های آن بیشتر شود. اما تحقق کامل نظام نیازمند تلاش‌های بسیاری است که در زمانی کوتاه میسر نخواهد شد. البته بدون شک با رهیافتی راهبردی و ایجاد زیرساخت‌های لازم و ترویج آن در سطح جوامع اسلامی، فرایند تحقق نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی شتاب خواهد گرفت.

#### ۵. تفاوت نظام‌های «نگرش - آینده‌پژوهی» رایج و اسلامی

اینک شایسته است به پرسشی مهم پاسخ داد: آنچه امید می‌رود به‌عنوان نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی شکل گیرد، چه تفاوتی با نظام موجود دارد؟ در پاسخ باید تأکید داشت که تأملات فلسفی و نظری و انضمامی کردن جهان‌بینی و آموزه‌های اسلامی به تنهایی برای شکل بخشیدن به این نظام کافی نیست، بلکه عینیت بخشیدن به این نظام نیازمند گذر زمان و انجام فعالیت‌های اجرایی در قالب این نظام است. تا آن زمان نمی‌توان در خصوص چیستی آینده‌پژوهی و کلیت نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی جز ارائه تصاویری مبهم، اظهارنظر دیگری کرد. ضمن آنکه فرایند شکل بخشیدن به این نظام در عمل، وابسته به شرایط و اقتضائات اجتماعی، فرهنگی و زمانی است و مشخص کردن اینکه در مسیر تحقق نظام چه شرایطی پیش می‌آید و این شرایط چه تأثیری بر نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی خواهند داشت، باید منتظر ماند. بنابراین تنها تفاوت نظام‌های «نگرش - آینده‌پژوهی» رایج و اسلامی در نقش و تأثیر دین اسلام نیست، بلکه شرایط و اقتضائات مختلف نیز به‌عنوان عاملی کلیدی در این مسیر ایفای نقش خواهد کرد. هنگامی که در هر شهری نمی‌توان، سوهانی به کیفیت سوهان قم و گزی به کیفیت گز اصفهان یافت، چگونه می‌توان انتظار داشت که شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی در پدید آمدن نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی تأثیرگذار نباشند. شاید نتوان شرایط و اقتضائات آینده را پیش‌بینی کرد، اما نباید تأثیر آنها را کتمان کرد، این مسئله تفاوت‌های دو نظام را بیشتر می‌کند.

از سوی دیگر عوامل و پدیده‌های تجربی، تفاوتی در نظام‌های غربی و اسلامی ایجاد نمی‌کند و اگر هم ایجاد کند، بسیار اندک و نامحسوس است. به هر تقدیر قوانین حاکم بر طبیعتی که مخلوق خداوند است، توسط مؤمنان مشابه دیگران، مشاهده و توصیف می‌شوند. بنابراین در هر شرایطی نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» رایج و اسلامی دارای وجوه اشتراکی هستند. ضمن آنکه تجربه یکصد ساله آینده‌پژوهان (غربی) که حاصل تلاش و تعقل انسان است، نمی‌تواند در مسیر پدید آمدن نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی نادیده انگاشته شود. عقل و تجربه بشری از دیدگاه اسلام مورد تأکید هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۵۳) و قطعاً در آینده‌پژوهی اسلامی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند.<sup>۲</sup> مهم‌ترین تفاوت‌های این دو نظام در سطوح جزئی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- نیازها و مسائل: این امکان وجود دارد که در قالب نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی مسائلی بروز یابند که در نظام رایج، جایگاهی نداشته باشند. از نظر اسلام ممکن است چیزی برای سعادت بشری لازم باشد که در نظام رایج، برای بهبود آزادی و رفاه بشر الزامی نباشد. برای مثال چگونگی افزایش ایمان انسان‌ها و یا از بین بردن ربا در جامعه، از جمله مسائلی هستند که در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی جلوه می‌کنند، اما در نظام موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیستند. ضمن آن نیازها در قالب شبکه‌ای درهم‌تنیده قرار دارند که هر نیازی سبب بسط نیازهای جدیدی در جامعه می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین افزون بر آنکه در آینده‌پژوهی اسلامی، نیازهایی وجود دارد که در آینده‌پژوهی مرسوم، مورد توجه نیست، نیازهای جدیدی به وجود می‌آیند که پیش از آن سابقه نداشته و پس از شکل‌گیری نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی و حل مسائل جدید، رخ می‌دهند و یا ممکن است برخی از مسائل امروز به‌طور کامل از دستور آینده‌پژوهان خارج شوند.

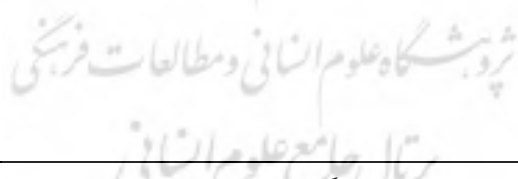
- تجویزها: با وجود تأکید آینده‌پژوهان بر اصول اخلاقی، در آینده‌پژوهی مرسوم، هر کاری برای نائل شدن به آینده مطلوب مجاز است. به‌عنوان مثال، یک صنعت می‌تواند جهت فروش محصول خود، ایراد آن را از مشتری مخفی کند، اما در نظام «نگرش - آینده‌پژوهی» اسلامی، بسیاری از امور به‌دلیل احکام شرعی در هر شرایطی مجاز نیست.

۱. به‌عنوان مثال، از دید همه انسان‌های منطقی، آتش می‌سوزاند و یخ سرد است.  
 ۲. در قرآن کریم آیات بسیاری بر این امر تأکید داشته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به آیه ۲۴۲ سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید: «این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید».  
 ۳. ایده شبکه درهم‌تنیده و بسط‌یابنده از نیازها، توسط تقوی ارائه شده است (تقوی، ۱۳۸۷).



به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران با عنایت به فتوای مقام معظم رهبری در هر شرایطی به سوی ساخت سلاح هسته‌ای گام بر نمی‌دارد. اما در سطوح کلان این گونه نیست، چراکه هدف اصلی در نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی، سعادت اخروی و دنیوی بشر است.<sup>۱</sup> در حالی که نظام «نگرش - آینده پژوهی» موجود نتوانسته است که حتی رفاه و آزادی بشر را بهبود بخشد (Slaughter, 2008) و به نظر می‌رسد که سرانجام بشر با استفاده از آینده پژوهی کنونی به جای سعادت چیزی جز شقاوت نباشد.

بر این اساس نظام‌های «نگرش - آینده پژوهی» موجود و اسلامی در جزئیات دارای وجوه اشتراکی هستند، اما در سطوح کلان مغایر با یکدیگرند و اشتراکی با هم ندارند. پس نظام‌ها نه بر یکدیگرند منطبق هستند و نه به طور کامل جدا از هم؛ اما به این پرسش که وجوه اشتراک آنها بیشتر است یا وجوه افتراق، نمی‌توان به طور دقیق پاسخ گفت. با توجه به گستردگی و غنای آموزه‌های اسلامی محتمل است که وجوه افتراق این دو بیشتر باشد. البته زمانی که نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی به طور کامل محقق شود.



---

۱. قرآن در سوره هود، آیه ۳ و آیات فراوان دیگر اعلام کرده است که دینداری و مذهب، پیش از آنکه زندگی پس از مرگ را آباد کند، آبادکننده زندگی دنیوی است. به سخن دیگر، پیوند مواهب مادی دنیا با ایمان و توبه و استغفار را یک پیوند معنوی و ناشناخته می‌دانند، در حالی که دلیلی ندارد که برای این پیوند و رابطه، تفسیر ناشناخته‌ای کنیم. هر انسان عاقل و منطقی قبول دارد که دروغ و تقلب و دزدی و ظلم و ستم و تبعیض، زندگی اجتماعی را از هم است و زندگی انسان‌ها را تیره و تاریک می‌کند. بر اساس قرآن کریم، رعایت چهار اصل سبب آبادانی زندگی دنیای انسان‌ها و مسلمانان می‌داند: ۱. توحید، ۲. پذیرش رهبری پیامبران، ۳. پاک‌سازی محیط از گناه و ۴. بازگشت به ارزش‌های الهی و آراستگی به آن. هر گاه انسان‌ها به این برنامه‌ها جامه عمل بپوشانند، خداوند تا پایان عمر آنان را از زندگانی سعادتبخش این دنیا بهره‌مند و متمتع می‌سازد. قرآن پس از ذکر این چهار اصل در آیه ۳ سوره هود، می‌فرماید: «تا شما را تا مدت معینی (از مواهب زندگی این جهان)، به خوبی بهره‌مند سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰).



شکل ۲. وجوه اشتراک و افتراق نظام‌های «نگرش - آینده پژوهی» رایج و اسلامی

## ۶. جمع بندی و نتیجه گیری

شکل بخشیدن به آینده پژوهی اسلامی نیازمند توجه به ابعاد نظری و عملی آینده پژوهی در کنار یکدیگر است. آینده پژوهی در بستر آینده اندیشی استوار است و نگرش حاکم بر جامعه بستر هر دو را ایجاد می کند. بین آینده پژوهی، آینده اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه مرز مشخصی نمی توان در نظر گرفت، چراکه اینها در هم تنیده هستند. بنابراین آینده پژوهی در قالب نظام «نگرش - آینده پژوهی» معنا می یابد. در نظام رایج، نگرش سکولار بر جامعه حاکم شده و در شیوه های مختلف آینده اندیشی دین نقشی بسیار کم رنگ دارد. بنابراین آینده پژوهی نیز سکولار است. برای تحقق آینده پژوهی اسلامی نیز نمی توان به آینده اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه توجه نداشت، بلکه آینده پژوهی اسلامی زمانی محقق می شود که نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی وجود داشته باشد. در نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی نگرش حاکم بر جامعه مبتنی بر اسلام است و آینده اندیشی نیز از شیوه های اسلامی بهره می جوید. در چنین نظامی، آینده پژوهی را می توان به صفت اسلامی موصوف کرد. در نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی، مفاهیم و آموزه های اسلامی، انضمامی شده و در فعالیت های مختلف آینده پژوهی حداکثر بهره از آنها صورت

می گیرد.

نظام های «نگرش - آینده پژوهی» رایج و اسلامی متضاد یکدیگر نیستند، بلکه افزون بر وجوه افتراق، دارای وجوه اشتراکی نیز با یکدیگر هستند. این اشتراکات به ویژه در جزئیات نمایان تر است. ضمن آنکه تنها تفاوت این دو نظام در سازگاری با اسلام و بهره گیری از آموزه های آن خلاصه نمی شوند، شرایط و اقتضائات مکانی و زمانی شکل گیری نظام اسلامی نیز در متفاوت ساختن نظام رایج و نظام اسلامی دخیل هستند. اما با وجود این، نظام های «نگرش - آینده پژوهی» رایج و اسلامی در سطوح کلان خود تشابه و اشتراک چندانی با یکدیگر ندارند.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم
۲. تقوی، م. (۱۳۸۷). «درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی-ایرانی توسعه علم و فناوری»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶: ۹۸-۷۳.
۳. تقوی، م. (۱۳۹۱). «دو سطح بدیل‌اندیشی برای تکنولوژی»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۷۳: ۸۴-۵۳.
۴. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. دانایی‌فرد، ح.، الوانی، م. و آذر، ع. (۱۳۹۱). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات اشراقی.
۶. رستمیان، م. (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی»، در موحیدیان عطار، ع. گونه‌شناسی موعود در ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب: ۲۶۸-۲۳۰.
۷. عیوضی، م. و پدرام، ع. (۱۳۹۳). «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی»، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹: ۱۱۲-۷۹.
۸. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. یونیدو (۱۳۹۱). راهنمای آینده‌نگاری فناوری، ترجمه سونیا شفیع‌آوردستانی و همکاران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

### ب) منابع لاتین

1. Bell, W. (2003). Foundations of Futures Studies (2th ed.), New Jersey: Transaction Publishers .
2. Inayatullah, S. (2007). Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation), 3th Ed. Tamkang University .
3. Slaughter, R. (2008). "Reflections on 40 Years of Futures", Studies and Futures, 40 (10): 912-914 .
4. Sardar, Z. (1985). Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come, London: Mansell Publishing Ltd .
5. Sardar, Z. (1988). The Future of Muslim Civilization, Kuala Lumpur: Pelanduk Publications .
6. Sardar, Z. (1989). Explorations in Islamic Science, London: Mansell Publishing Ltd .